

**فرزندم**، وقتی نمی توانم غذا بخورم از کارم خشمگین و عصبی نشو چرا که من سالها پیش هزاران بار تلاش کردم تا تو غذا خوردن را بیاموزی.

فرزندم وقتی در هنگام راه رفتن با مشکل مواجه می شوم و احيانا ز زمین می خورم سعی مکن مرا و ناتوانی ام را درک کنی چون من هزاران بار قدم به قدم و همراه تو آمده ام و قدم برداشته ام تا بتوانی راه رفتن را بیاموزی و هرگز عصبانی نشده ام.

فرزندم وقتی در فراگیری علوم و تکنولوژی جدید ضعیف و دیر آموز هستم با پوزخند و تمسخر مرا آزرانده چون سالها پیش هزاران بار ساعی کردم موارد تازه و جدید را به تو بیاموزم و هرگز هم خسته و عصبی نشدم.

فرزندم می خوام که درکنارت تو باشم و مهربانی ات را حس کنم نه اینکه فرستگار دور از تو و در سرای سرد و خوش ساختن سالمندان روزگار پیری را به امید شمارش معکوس طی کنم.

روز های پایانی ماه مبارک رمضان است که سری می زتم به سرای سالمندان لقمان حکیم در تازیان ؛ حتما نصایح لقمان به پسرش را بخاطر داری ، بدی مهربان که همواره دغدغه خوب زیستن فرسوده اش کرد ، غروبی است دل انگیز و اندک نسیمی حال و هوایم را عوض می کند ، ساعت ۵ عصر است و دو سه ماشین شخصی جلو در پارک کرده اند وارد می می شوم با استقبال دو تن از پرسنل مواجه می شوم با روی گشاده و صفای دل پذیرایی می کنند و مرا به سمت ساختمان سالمندان آقا هدایت می کنند.

در حین عبور چشم به فضای سبزی می افتد با چندین صندلی رنگ و رو ز رفته که شاید محمل تجمع و نشست سالمندان است . فضای سبز تکیده و فرسوده و خشکی درختان نشان از کم مهری طبیعت دارد . ۳۷ سالمند مرد در ساختمان عرضی نگهداری می شوند . محیط تمیز و آرامی است عده ای پیرومرد در راهرو نشسته اند و در حال تماشای تلویزیون هستند سلام را به گرمی پاسخ می دهند و در نگاه خسته و کلافه شان ترس ، ناامیدی و یاس موج می زند ؛ ترس از آینده ای مبهم و نامفهوم ، یاس از بی مهری و جغای فرزندان و روزگار ، فرزندی که سالها پیش لقمه از دهان خود گرفتند و به دهانشان گذاشتند ، لباس مندرس بر تن خود پسندیدند تا لباسی نو و شیک بر تن جگر گوشه هایشان نمایند و گلاب از روزگار گذار که نتهایی و سکوت مرگبار را همنشین و مناس سالهای سالمندی و پیرشان نموده است .

# خانه دوست اینجاست ..

فرز ند م مسل م زاده



فرزندم وقتی در فراگیری علوم و تکنولوژی جدید ضعیف و دیر آموز هستم با پوزخند و تمسخر مرا آزرانده چون سالها پیش هزاران بار ساعی کردم موارد تازه و جدید را به تو بیاموزم و هرگز هم خسته و عصبی نشدم

وارد اتاقه که می شوم نگاهی به اسامی می اندازم زیر لب تکرار می کنم ؛ ۷۸- ۷۳-۵۰-۶۰-۳۰-۷۰ . جالبی آنکه سیر نزولی سن و سال سالمندان ۳۰۰ ساله هم سالمند است ۵۰ ساله و ۷۰ ساله هم عده ای خفته اند و عده ای خیره به نقطه نامعلومی می نگرند و شاید در دل هنوز باور ندارند این بی عاطفگی و تلخی جگرگوشه هایشان را شاید کم باخود مرور می کنند سالهای عمر را که مسیر زندگی جگرگوشه هایشان چه کم گذاشته اند که امروز اینچنین سرنوشت تاریکی در انتظارشان است ؛! خانمی

بایل، یزد، کرمان، تهران ، بندرخمیر، بندرعباس، شیراز، مرودشت و... شهرهایی هستند که سالمندان خود را به صدها دلیل گفته و ناگفته به سرای سالمندان تازیان فرستاده اند. مشکل مالی بیاد می کند ؛ هزینه های ۳ میلیونی برق، اجاره ساختمان، پرسنل، خوراک و پوشاک و سایر ملزومات سالمندان و... همگی جزو لاینفک بودجه اندکی است که از سوی سازمان بهزیستی برای این مرکز در نظر گرفته شده است .

وقتی پای صحبت مدیر مجموعه نشینیم بخوبی درمی یابیم که این مرکز هیئت انمایی و تقریبا بصورت خصوصی اداره می شود چرا که بیشتر هزینه ها را باید خودشان تقبل نمایند و شهره رسالمنند که از سوی بهزیستی پرداخت می شود ۱۰۵ هزار تومان است ، این پول کفاف نیمی از هزینه های نگهداری یک سالمند را هم نمی دهد . به همراه تنی چند از پرسنل ، وارد ساختمان خانها می شوم ؛ طیف سنی جالبی است از ۳۰ تا ۶۰-۶۵ ساله هستند ، عده ای روزه دارند و عده ای که ظاهرا نشان می دهد بومی هستند با نگاهی سرد و خیره به نقطه ای نامعلوم میخکوب شده اند. روحیه شان خسته و افسرده است و به گواهی مدیر مجموعه روانشناس هم فته ای یک ساعت وقتش را در این مرکزی گذراند که جوابگوی نیاز سالمندان نیست افرادی که از سن کمتری برخوردارند بدلیل مشکلات استانی و کمبود فضای مناسب و کافی جهت نگهداری به این مرکز ارسال شده اند که بعضا هزینه درمانی بالایی هم داشته و بیمارستانها حاضر به پذیرش یا پرداخت هزینه های درمانی آنها نیستند. کم کم هوا گرگ و میش می شود و سایه غروب نمایان که عده ای از جوانان بازدید کننده ۳-۴ سالمند را در حلقه دوستانه خود محاصره کرده و چند عکس یادگاری می اندازند . سالمندی با صدای شیرین و رسای خود شروند سوزناکی را می خواد و دیگران با لحنند تحسین بر انگیزی تشویقش می کنند. وقتی به پشت سرم نگاه می کنم سالمندان را می بینم که از پشت درهای شیشه ای نگاه می کنند و دست تکان می دهند گویی باز هم می خواهند کسی به دیدنشان بیاید و فضای اتاقهای ساکت و افسرده از زندگی امری است سخت و غیرقابل تصور که اگر به ما بالاترین حقوق و مزایا را هم بدهند شاید حاضر نشویم عمرمان را صرف پرستاری و نگهداری از سالمندان قوتوت و ناامید نماییم . اکثر سالمندان این مرکز از شهرهای دیگر آمده اند و کمتر سالمند بومی در آنجایافت می شود ؛ سنج ،

بندرعباس شهری است که سرعت پیشرفت آن بیشتر از توسعه امکانات زیربنایی است . رشد و توسعه فراینده اماکن و مجتمع های تجاری و ساخت و سازهای بی رویه و از سوی دیگر تولید انبوه خودرو در داخل کشور ، واردات بی رویه خودرو و نامناسب و ناکافی بودن شبکه حمل و نقل عمومی درون شهری و برون شهری و رقابت در عرصه جلوه گری و زندگی تجملاتی، خانواده های ایرانی را به سمت خرید خودروی شخصی سوق داده است و تقریبا می توان گفت ؛ اکثر خانواده ها دارای یک خودرو می باشند و بعضی ها ۲ یا ۳ یا بیشتر .

عمده ترین مشکلی که شهروندان دارای خودروی بندرعباسی با آن مواجه هستند ، عدم وجود پارکینگ مناسب و کافی در سطح شهر است که به معضلی بزرگ و ظاهرا لاینحل بدل شده است . در مواردی مشاهده می گردد که برای پیدا کردن جای پارک دقایق زیادی را باید به بالا و پایین رفتن در خیابان مورد نظر پرداخت و اکثر مواقع به ناچار در مکانی دورتر از محل دلخواه خودروی خود را پارک می کنند یا در کوچه و پس کوچه های فرعی که تقریبا تا امن و خطرناک است مجبور به پارک خودرویشان می شوند .

این معضل بزرگ مدتی است موجب گردیده تا متولیان

# چند می گیری فحش ندی؟!

امرو دستگاه های مسئول اقدام به برقراری و ساماندهی طرح کارت پارک در خیابانهای پر تردد شهر نمایند و با نصب تابلو در محدوده خیابان ، چاپ برگه های مجوز پارک و استخدام افرادی به صورت حق الزحمه ای یا پورسانتی به عنوان پارک بان در جهت کنترل و خدمات دهی به شهروندان برآیند . اینکه این طرح چقدر موفق بوده و بازدهی داشته است ، نیاز به کارشناسی و جمع بندی نظرات دارد که باید به آن پرداخته شود . اما نکاتی در این خصوص دیده می شود که در این مجال به واسطه این طرح که یک نوع اشتغال ناپایدار ایجاد می کنند ، تعدادی افراد از این راه امرار معاش می کنند. همچنین این طرح از پارک کردن غیر ضروری و مدت دار شهروندان جلوگیری می کند و به نوعی شرایط برای استفاده سایر افراد فراهم می گردد. ولی در بعضی مواقع به علت وسعت خیابان و کم بودن تعداد پارک بانها ، شهروندان بدون دریافت کارت پارک اقدام به پارک خودرو نموده و به محل مورد نظر خود رفتند و پس از مراجعه به قبض جریمه پلیس راهنمایی و رانندگی مواجه گشته اند که ناراضایتی و دلخوری شهروندان را به دنبال دارد .

گاهی اوقات حتی برای یک لحظه پیاده شدن مسافر امر و دستگاه های مسئول اقدام به برقراری و ساماندهی طرح کارت پارک در خیابانهای پر تردد شهر نمایند و با نصب تابلو در محدوده خیابان ، چاپ برگه های مجوز پارک و استخدام افرادی به صورت حق الزحمه ای یا پورسانتی به عنوان پارک بان در جهت کنترل و خدمات دهی به شهروندان برآیند . اینکه این طرح چقدر موفق بوده و بازدهی داشته است ، نیاز به کارشناسی و جمع بندی نظرات دارد که باید به آن پرداخته شود . اما نکاتی در این خصوص دیده می شود که در این مجال به واسطه این طرح که یک نوع اشتغال ناپایدار ایجاد می کنند ، تعدادی افراد از این راه امرار معاش می کنند. همچنین این طرح از پارک کردن غیر ضروری و مدت دار شهروندان جلوگیری می کند و به نوعی شرایط برای استفاده سایر افراد فراهم می گردد. ولی در بعضی مواقع به علت وسعت خیابان و کم بودن تعداد پارک بانها ، شهروندان بدون دریافت کارت پارک اقدام به پارک خودرو نموده و به محل مورد نظر خود رفتند و پس از مراجعه به قبض جریمه پلیس راهنمایی و رانندگی مواجه گشته اند که ناراضایتی و دلخوری شهروندان را به دنبال دارد .

**پارک بان پس از جمع کردن برگه ها با متانتی باور نکردنی که نشان از طبع بلند و اصالت خانوادگی اش داشت ، دست در جیب خود کرد و همه پولهایش را در آورد و گفت ؛ آقای محترم شما نمی گنم ، اصلا چقدر می گیرید فحش ندهید ؟**

و سرنشین های خودرو ها ، راننده مواجه می شود با حرکت سریع و خارق العاده پارک بان که با لحنی نا متعارف سعی در ارایه کارت پارک به راننده و دارد در متأسفانه شاهد برخوردهای نامناسبی هستیم .

البته ناگفته نماند اکثریت شهروندان بندرعباسی و پارک بانان زحمتکش در نهایت ادب و احترام متقابل با این مسئله کنار آمده اند و بدون هیچ مشکلی آنرا



پذیرفته اند و تنها عده معدودی وجود دارند که انگار فقط زورشان به این پارک بانهای بی گناه می رسد . اتفاقا چند روز پیش بر حسب اتفاق شاهد ماجرابی از این دست بودم که شاید بیان آن خالی از لطف نباشد یا حداقل تلنگری باشد به آن افراد محدود جدای از جامعه ... ساعت حدودا ۴:۳۰ ؛ بعدازظهر بود و گرما و شرجی به اوج خود رسیده بود و ماه مبارک رمضان که به قول بزرگان دین "روزه داری در گرما حکم جهاد دارد " سایه اندکی از درخت کنار تنها جان پناه پارک بان زحمت کش برای فرار از آفتاب سوزان بود با یک لباس شیرینگ کاملا خیس و دسته ای کارت پارک چشم به خیابان دوخته بود. لحظاتی نگذشت که یک خودروی مدل بالا که شاید خیلی ها نامش را ندانند وارد خیابان شد و دنبال جای پارک می گشت فقط در مورد قیمت این خودرو همین مقدار عرض کنم که تقریبا ۶ یا ۷ برابر قیمت گرانترین خودروی وطنی بود .

پس از پیدا کردن جای خالی ، اتومبیل خود را پارک کرد و در همین لحظه پارک بان به خود آمد و به سمت اتومبیل مدل بالا راننده اش رفت و شروع به پرکردن کارت پارک خود نمود ، اما متأسفانه راننده پر ادها پس از پیاده شدن شروع به داد و بیداد کرد که نیازی به

نوشتن کارت نیست ، من زود برمی گردم ، پارک بان با لحنی آرام و مودب گفت ؛ آقا ۳۰۰ تومان بیشتر نیست. تازه اگر پلیس بیاید جریمه ات می کند. که ناگاه راننده صدای خود را بلند تر کرد و گفت ؛ هم توغلط می کنی جلوی مرا می گیری و هم پلیس بیخود می کند مرا جریمه کند .

باز هم پارک بان آرامتر از گذشته گفت ؛ آقای محترم از این ۳۰۰ تومان شاید فقط ۰۰ تومانش سهم من باشد، به ما که حقوق ثابت نمی دهند ، از همین راه زندگی می کنیم ، اشکالی ندارد ، شما پول نده ولی اگر جریمه ات کردند به من ارتباطی ندارد ، راننده عصبانی طوری به پارک بان نگاه می کرد که انگار تمام مشکلات مملکت را پارک بان به وجود آورده یا ارث پدرش را خورده است یا می خواهد او را سر کیسه کند ، به راستی چرا بعضی ما این همه پول به بهانه های مختلف خرج می کنند و اسراف می شود اما به پایین ترین اقبال جامعه که می رسند زبان اعتراضشان به آسمان بلند است؟

خلاصه راننده پولدار با دست زیربرگه های پارک بان زد و شروع به فحاشی کرد و تقریبا تمام خیابان را متوجه خود نمود ، و پارک بان پس از جمع کردن برگه ها با متانتی باور نکردنی که نشان از طبع بلند و



اصالت خانوادگی اش داشت ، دست در جیب خود کرد و همه پولهایش را در آورد و گفت ؛ آقای محترم شما نمی خواد پول بدید من حساب می کنم ، اصلا چقدر می گیرید فحش ندهید ؟

این دست است که از مسئولین توقع بیشتری می رود که به حل معضلات مردم از جمله کمبود یا نبود پارکینگ بپردازند، اما باید لحظه ای درنگ کنیم و ببینیم ما هر در قبال رفتار خود در جامعه مسئولیم و با هر دشواری نباید از پایین ترین حلقه آن انتقاد کنیم و افراد را در همان سطحی که هستند و وظیفه ای که دارند مواخذه نماییم و دیگر اینکه ، پول و ثروت ملاک برتری نیست و همه افراد در پیشگاه خداوند یکسان اند مگر آنها که تقوای بیشتری دارند .

❖ کیانوش جهانبخش

## آگهی فراخوان ارزیابی کیفی مناقصه گران

**شرکت تعاونی مسکن نگارین مهر درگهان** در نظر دارد ب استناد آیین نامه اجرایی بند (ج) از ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات – مصوب ۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی ، به منظور اجرای پروژه ای مطابق مشخصات زیر از کلیه پیمانکاران حقوقی واجد شرایط ، جهت شرکت در ارزیابی کیفی مناقصه گران دعوت به عمل آورد ؛

۱- کار فرما : شرکت تعاونی مسکن نگارین مهر درگهان ۲- موضوع مناقصه : اجرای ۱۴۸ واحد مسکونی در درگهان ۳- دستگاه نظارت : دفتر فنی آریا ۴- مبلغ بر آورد اولیه : بیست و پنج میلیارد ریال ۵- مدت اجرا : کار ۲۴ ماه شمسی ۶- رشته و پایه پیمانکار : اشخاص حقوقی دارای صلاحیت پیمانکاری در رشته ابنیه حداقل پایه ۷-۵ تاریخ و مهلت استعلام ارزیابی کیفی : مهلت تهیه استعلام ارزیابی کیفی ده روز ، از انتشار نوبت اول آگهی می باشد. مهلت تحویل استعلام ارزیابی کیفی پس از آخرین روز توزیع اسناد چهارده روز می باشد . ۸- نشانی استاد دریافت و تحویل استعلام ارزیابی : درگهان – مجتمع تجاری زمرد پلاک ۷۷۶ دفتر شرکت تعاونی مسکن نگارین مهر درگهان

لذا از پیمانکاران حقوقی دارای گواهینامه صلاحیت پیمانکاران در رشته مذکور که ظرفیت کاری و ریالی مناسب را دارا می باشند ، می توانند پس از چاپ نوبت اول آگهی با مراجعه به آدرس فوق ، اسناد استعلام ارزیابی را پس از واریز هزینه خرید اسناد به مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ ریال به حساب جاری بانک کشاورزی در گهان به نام تعاونی مسکن نگارین مهر درگهان به شماره حساب ۵۰۲۰ و با ارائه اصل رسید واریز وجه خریداری نمایند ، اسناد و مدارک ارزیابی فقط به نماینده مناقصه گر با ارائه معرفی نامه معتبر شرکت با مهر و امضای مجاز و با قید موضوع ارزیابی تحویل خواهد شد .

ضمنا ارسال مدارک هیچگونه تعهدی برای شرکت در مناقصه ایجاد نمی نماید و هزینه درج آگهی های فراخون ارزیابی کیفی مناقصه به عهده پیمانکار بر نده مناقصه خواهد بود.

📞 **هیات مدیره تعاونی مسکن نگارین مهر در گهان**

### آگهی تصمیمات در شرکت گچ مهر گان حقیقی (سهامی خاص) ثبت شده بشماره ۸۵۲

باستناد صورتجلسات مجمع عمومی فوق العاده و هیئت مدیره مورخ ۸۸/۶/۲۳ تصمیمات ذیل در شرکت فوق بعمل آمده است .

۱- به موضوع شرکت اکتشاف ، استخراج معادن و کلیه فعالیت های معدن کاری ، بهره برداری از معدن سنگ گچ و فرآوری انواع مواد معدنی و تخلیه و بارگیری اضافه گردید در نتیجه ماده ۲ اساسنامه بشرح فوق اصلاح گردید .

۲- آقایان اسحاق حقیقی فرد و علی باژیان و خانم فاطمه حقیقی فرد بسمت اعضا هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند .

۳- آقایان محمد صحرار گرد و صالح صحرار گرد بترتیب بسمت بازرسان اصلی و علی البدل شرکت برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند .

۴- آقایان اسحاق حقیقی فرد بسمت رئیس هیئت مدیره و علی باژیان بسمت نائب رئیس هیئت مدیره و خانم فاطمه حقیقی فرد بسمت مدیر عامل انتخاب گردیدند .

۵- کلیه اسناد و اوراق بهادار تعدد ات شرکت اعم از چک و سفته و نامه های اداری با امضای اسحاق حقیقی فرد رئیس هیئت مدیره و در غیاب ایشان با امضای علی باژیان نائب رئیس هیئت مدیره یا امضای خانم فاطمه حقیقی فرد مدیر عامل همراه با مهر شرکت معتبر است .

**رئیس ثبت اسناد و املاک بندر لنگه - عزیز بهرامی**

### آیا می دانید !

**پیاده و سوار شدن از اتوبوس ؛ فقط در ایستگاه های اتوبوس**

**انجام پذیر است و در خارج از ایستگاه خلاف مقررات می باشد**



❖ سازمان اتوبوسرانی بندرعباس و حومه

